

تحلیل سبکی رمان «نخل و نی» از رضا رئیسی

دکتر سپیده سپهری^۱



شماره ۳۹، بهار ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۷

چکیده

بهار از پیشگامان سبک‌شناسی در ایران در مقدمه کتاب خود سبک را روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر آنها می‌داند. شمیسا نیز در کلیات سبک‌شناسی مفهوم سبک را بدیهی می‌داند و معتقد است تعریف جامع و کامل آن دشوار می‌باشد. رضا رئیسی، صاحب رمان مستند «نخل و نی» همچون بسیاری از نویسندگان ادبیات جنگ و مقاومت سبک خاصی را به خصوص از دیدگاه زبان و هنر داراست. از حیث زبانی می‌توان به کاربرد جملات کوتاه، روشن، واژگان و اصطلاحات عامیانه، افعال شکسته و حضور حال و هوای جنوبی در داستان اشاره کرد. لایه‌های فکری او را مواردی چون واقع‌گرایی، تکیه بر اسنادهای تاریخی جنگ در خرمشهر، بیان روابط انسانی و تأکید بر اصل واقع‌گرایی تشکیل می‌دهد. این جستار با روش توصیفی تحلیلی در پی آن است نگاهی سبک‌شناسانه به داستان «نخل و نی» داشته باشد. روش بررسی سبکی این داستان رویکرد لایه‌ای است که در ۳ لایه زبانی، فکری و ادبی مورد بررسی قرار گرفته است. پرسش اصلی تحقیق آن است که کدام لایه سبکی و در هر لایه کدام ویژگی‌ها با بسامد بالاتری در اثر خودنمایی می‌کنند؟ پر واضح است با پرداختن به این ویژگی‌ها می‌توان خوانندگان را با سیر اندیشه و نوع نگاه نویسنده به مقوله جنگ آشنا کرد.

واژگان کلیدی: سبک، نخل و نی، رضا رئیسی، ادبی، فکری، زبانی.

مقدمه

بدون شک مهمترین موتور تغییر سبک در هر دوره و در هر قلمی موتور تحولات سیاسی و اجتماعی است. جنگ نیز با ظهور خود یک باره کشور را از تمامی جهات فرهنگی، اجتماعی، هنری، ادبی و غیره تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. در حیطه ادبیات نیز از آنجایی که بینش و گزینش نویسنده تحت تاثیر عوامل بیرونی جامعه می‌باشد با وقوع جنگ نوع خاصی از ادبیات به نام ادبیات مقاومت شکل می‌گیرد که رسالتش بیان زشتی‌ها و زیبایی‌های جنگ است، بیان محرومیت‌ها، نابودگری‌ها، قدرت‌بخشی‌ها، سازندگی و تخریب توأمان و ویرانگری‌ها و غیره نویسندگان با نوع تفکرات خاص خود و با دیدگاه‌های متفاوت، هر کدام در شرح وقایع جنگ مسیری را انتخاب نموده‌اند، عده‌ای بینشی ضدجنگ داشتند و برخی دیگر معتقد به قداست، سخن‌ها گفته‌اند که اغلب این آثار به شیوه‌های گوناگون خاطره نویسی، گزارش و زندگی‌نامه به تحریر در آمده است.

در عصر حاضر سبک «به روش‌هایی اطلاق می‌شود که از طریق به کاربرد فنون و مفاهیم زبان‌شناسی به مطالعه تحلیلی ادبیات پردازد. همچنین زاویه دید، مسائل زبانی، چگونگی شخصیت‌پردازی و چند و چون جهت‌گیری درون‌مایه را تعیین می‌کند.» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۴۵) به عبارت دیگر «سبک مجموع ویژگی‌هایی است که در یک اثر هنری به کار رفته و از نظر میزان کاربرد بیشترین بسامد را داشته و موجب تمایز آن اثر از آثار دیگر شده است» (بهار، ۱۳۶۹: ۱۱۷) نثر داستانی معاصر نیز در پی تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی، فرهنگی و ادبی از قرن سیزدهم آغاز شده و با سبکی ساده و روشن، پیام‌های اجتماعی را در راستای پیکار با جهل و ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی به خوانندگان منتقل کرده است.

از مهمترین متون داستانی معاصر، آثاری هستند که تحت تاثیر مسائل اجتماعی، سیاسی و تاریخی، حقایق، رویدادها و واقعیت‌های جامعه را منعکس می‌کنند. از آن جا که مطالعه ساختار متون ادبی از جمله آثار داستانی و به ویژه داستان‌های مربوط به مقاومت و پایداری، در ارزیابی سبک فردی هر نویسنده مؤثر است، در این گفتار سعی شده است به تحلیل سبک شناختی داستان «نخل و نی» اثر رضا رئیس با توجه به ویژگی‌های زبانی و فکری و ادبی پرداخته شود.

در جهت آشنایی بیشتر نسل‌های کنونی، مقوله جنگ و تبعات مثبت و منفی آن، اهمیت

و ضرورت پرداختن به چنین آثاری کاملاً حس می‌شود. با بررسی سبک آثار داستانی دفاع مقدس می‌توان عناصر لفظی و محتوایی و فکری این آثار را شناخت، موتیف‌ها و بن‌مایه‌ها را که دریچه‌ای به سوی ذهن و فکر نویسنده هستند تشخیص داد. در اینگونه تحقیقات میزان خلاقیت نویسنده و چگونگی تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در سبک دوره معاصر شناسایی می‌گردد. بر این اساس هدف پژوهش حاضر تشخیص میزان فردیت و ظهور سبک شخصی رضا ربیسی به عنوان یکی از نویسندگان دوره معاصر در حوزه ادبیات دفاع مقدس است.

پیشینه تحقیق:

بر روی متون کلاسیک جستارهای سبکی متعددی صورت گرفته است؛ در رابطه با داستان‌های دفاع مقدس نیز پژوهش‌ها و نقدهایی جسته و گریخته در قالب پایان نامه و مقاله از دید نقد و تحلیل روایی و شخصیتی صورت گرفته است. لیکن از حیث مطالعات سبکی نگارنده به آثار چندانی بر خورد نکرده است. جز یک مورد که در آن داستان ارمیا اثر رضا میرزاخانی از دیدگاه زبانی مورد بررسی سبک شناختی قرار گرفته است.

روش تحقیق:

در این مقاله پس از مطالعه کتب مربوط به سبک‌شناسی و رمان نخل و نی، مؤلفه‌های مربوط به مقوله‌های سبکی از جمله ویژگی‌های زبانی، فکری و ادبی از ارکان مزبور استخراج و با آوردن نمونه‌هایی در هر حیطه مقایسه‌ای از جهت میزان کاربرد هر کدام از ویژگی‌های صورت گرفته است. برای انجام این پژوهش از رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای و فیش برداری استفاده شده است.

بحث و بررسی:

مروری بر ویژگی‌های سبکی آثار داستانی دفاع مقدس:

یکی از موتورهای محرک ادبیات و هنر در هر سرزمینی رویدادها و تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن کشور است. انقلابی که رخ می‌دهد، جنگی که تحمیل می‌شود، مقاومت و پایداری که شکل می‌گیرد، می‌تواند در گستره و عمق قابل توجهی تمام جوانب علمی، هنری، فرهنگی، ادبی و اجتماعی آن کشور را تحت الشعاع خود قرار دهد و آن را در سمت

و سوی شرایط جدید پیش برد. در کشور ما نیز ابتدا حرکت پر شور ۱۳۵۷ برای تغییر رژیم و سپس جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق، توانست ادبیات را در حیطه نظم و نشر از جهات مختلف سبک، فرم، واژه، معنا، محتوا و هدف دچار دگرگونی و تحول بی سابقه‌ای کند. «ادبیاتی که پس از انقلاب و در پی آن جنگ توسط اهل قلم، در راستای رسیدن به اهداف ملی و نمایاندن پهلوانی‌ها، ایثار رزمندگان و صبر و پایداری خانواده‌هایشان شکل گرفت، ادبیات دفاع مقدس یا ادبیات مقاومت و پایداری نامیده شد.» (رحماندوست، ۱۳۸۸: ۴۷)

در عصر حاضر «سبک، تحت تاثیر تحولات اجتماعی، به شکل متفاوت در ادبیات نمایان شد و خوانندگان شاهد ورود اصطلاحات و الفاظی در ادبیات داستانی شدند که پیش از آن سابقه‌ای نداشته است.» (مهربان، ۱۳۸۹: ۸۴)

از جمله تغییرات زبانی و فرمی، در حیطه صرف و نحو است؛ در این دوره عناصر زبانی خاص جبهه و جنگ وارد نثر داستانی می‌شود؛ اصطلاحات و تعبیرات عامیانه در قالب ضرب المثل و کنایات به چشم می‌خورد. زبان، ساده، بریده بریده و به دور از هر گونه تعقید می‌باشد. و از همه مهمتر آوردن الفاظ و اصطلاحات نظامی، جنگی و مذهبی بیشتر از هر ویژگی خودنمایی می‌کند. در این دوره وصف رزمندگان، دلاوری‌ها، شجاعت و اخلاص آنان از بارزترین ویژگی‌های آثار است.

از ادبیات دفاع مقدس به عنوان ادبیاتی نوپا، نورسیده و در عین حال سرشار از خلاقیت و نوآوری یاد شده و این نوع ادبی را مملو از شور و نشاط و بالندگی و بیان رخدادهای پویای تاریخ یک سرزمین می‌دانند.

پر واضح است این نوع ادبیات تنها وجه سرگرمی و هنر نویسندگی را به نمایش نمی‌گذارد، مزیت مهم آن «سند سازی» است که امروزه علاوه بر جذب مخاطبان و امتناع نویسندگان و فعال کردن زمینه‌های فرهنگی و هنری می‌تواند به عنوان سندی غیرقابل تحریف برای آیندگان باقی بماند.

«ادبیات جنگ و مقاومت با توجه به اهداف عالی ملی و انسانی در معرفی جهان بینی یک کشور اسلامی، پیشتاز است و می‌تواند در این عصر صنعت و تکنولوژی ارزش‌های الهی و انسانی را به زیبایی روایت کند.» (حنیف، ۱۳۸۸: ۴۴)

زندگینامه رضا رئیسی:

رضا رئیسی نویسنده و روزنامه نگار متولد ۱۳۳۹ در نهاوند است. وی در سال ۱۳۵۸ اولین اثر خود نمایشنامه از خاک به خاک را چاپ و منتشر کرد. از سال ۱۳۵۹ به طور پراکنده در مجله شاهد از نقد نمایش شروع کرد و در سال ۱۳۶۷ به بعد برای بعضی از روزنامه‌ها یادداشت، گزارش و قطعات ادبی نوشت. از سال ۱۳۷۴ به بعد کار در مطبوعات را جدی گرفت و مسئول صفحات ادبیات جنگ ادب و هنر شد.

از جمله آثار رئیسی می‌توان به این موارد اشاره کرد: «قهرمان من»، «کبوتر و قلب سنگی»، «قطار ۵۷»، «نخل و نی»، «اسیر شماره ۳۳۹»، «خبرنگار جنگی»، «روزهای طولانی» و «ستاره‌های بی‌نشان».

خلاصه داستان:

این اثر همچون رمان‌ها و آثار داستانی دیگر دارای خط محوری به هم پیوسته ای نیست که برای آوردن خلاصه آن بتوان سیر حوادث و رویدادها را از ابتدا تا انتهای کتاب به شکل گزیده آورد. پراکندگی جریانات، عدم پیوستگی تم داستانی، گستردگی افراد و نام‌ها به صورت گذرا و روش روایت‌گری تک صدایی مانع از آن می‌شود که بتوان خلاصه منسجمی در یک خط محوری طولی ارائه داد.

حوادث درونی این کتاب از ۹ سالگی نویسنده - رضا رئیسی - تا ۲۸ سالگی او را در بر می‌گیرد. این کتاب در سه بخش حوادث و داستان و سرگذشت «خرمشهر»، حد فاصل سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۶۷ را در بر می‌گیرد.

نام کتاب از دو واژه و نماد سرزمین‌های جنوب - نخل و نی - نشأت می‌گیرد و نویسنده به آشکار، علاقه و تعهد خود را از این نام آفرینی بیان می‌نماید:

«نخل و نی نمادهای سرزمین منند، نخل، سخاوتمند، سرافراز و استوار، شیره وجودش را برای شیرینی کام انسان‌های پیرامونش می‌دهد و اما نی خوراک گرازان است و نیزار، مأمّن وحش...» (رئیسی، ۱۳۸۷: روی جلد)

با توجه به مقدمه نویسنده «نخل و نی نخستین جلد از سه‌گانه ایست که در خصوص وقایع خرمشهر و به سبک و سیاق داستانی منتشر می‌شود... اوایل سال ۱۳۸۶ این کتاب با عنوان «موج

و مرجان» به چاپ رسیده...». (همان: ۲)

نخل و نی، بر خلاف دیگر آثار موجود در ادبیات دفاع مقدس، کاری پژوهشی و تحقیقی است. مدخل داستان با حضور دختر و پسری آغاز می‌شود که پسر قصد سفر به کویت برای کسب درآمد بیشتر دارد. نویسنده با هوشیاری و خلاقیت، رمان را با شخصیت «آموجاسبی» آغاز و با وی به پایان می‌رساند. شخصیت آموجاسبی نقطه ثقل و مرکزی داستان است. نویسنده در این اثر شاهدی بی طرف است و در صفحه ۶۹ این کتاب اثبات می‌کند که یک وجدان منصف و شاهدی بی غرض است و وقایع را آن گونه که هست بیان می‌کند.

بررسی ویژگی‌ها و مختصات سبکی:

ویژگی‌های زبانی:

زبان، برجسته‌ترین عنصر سبکی در مطالعات ادبی است. هر نوع تغییر در فرم و محتوای زبان اثر ادبی، نشان دهنده دگرگونی در نگرش خالق اثر نسبت به جهان پیرامون خویشتن و انسان است. مقوله زبان و عناصر و مفاهیم وابسته به آن، در فلسفه ادبیات داستانی معاصر جایگاه محوری دارد، به نحوی که ادبیات داستانی معاصر را با چگونگی کار بست زبان برای باز آفرینی حوادث داستانی می‌شناسند.

«از آن جا که انقلاب و جنگ دو پدیده تازه بودند، تازگی زبان در آن طبیعی بود. انقلاب با ماهیت اسلامی و دیدگاه‌های تعلیمی خود، سبب شد تا واژگان و اصطلاحات بدیهی در آثار نوشتاری سر برآورند. جنگ نیز همواره با انگیزش‌های حسی و عاطفی، اصطلاحات و واژگان خاص خود را وارد حوزه داستان‌نویسی کرد.» (سنگری، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

بی‌نیاز تازگی زبان را مفهومی انتزاعی می‌داند که «در بافت کلام رخ می‌نماید و در واقع دریافت مدلولی یک نویسنده است؛ اما با درنگ در بسامد واژگان، پیوند واژگان با یکدیگر و سابقه حضور اصطلاحات و واژگان و نیز تصرف‌هایی که در آنها صورت گرفته است، می‌توان این مفهوم انتزاعی را به بند حس کشید و آن را عینی کرد.» (بی‌نیاز، ۱۳۹۲: ۱۳)

نویسنده تا جایی که در تنقیح و پرداخت زبان جلو می‌رود، به یک شیوه خاص روایتی می‌رسد که سبک شخصی او را تشکیل می‌دهد؛ تا جایی که دیگر نیاز به اسم و امضای نویسنده

نسیت، بلکه «نوشته، خود به خود، نویسنده خویش را معرفی می‌کند، بنابراین هر اثر از نظر زبانی هویت مستقلی پیدا می‌کند.» (همان: ۸۳)

در مطالعات سبک شناسی، بودن یا نبودن یک عنصر، آن قدر اهمیت ندارد که بسامد آن عنصر یا عناصر. در این بخش برخی از پربسامدترین ویژگی‌های زبانی این رمان را بر شمرده و در هر مورد تنها به آوردن تعداد محدودی نمونه بسنده می‌شود:

الف) کاربرد کلمات اتباع:

- شق و رق: «پانزده مرد عرب شق و رق دور میز آبنوسی نشستند.» (رئییسی؛ ۱۳۸۷: ۲۷)

- آب و تاب: «با آب و تاب می‌گوید...» (همان: ۳۱)

- کش و قوس: «خود را کش و قوس می‌دهد.» (همان: ۳۲)

- خوش و بش: «راضی با افسران دست می‌دهد و خوش و بش می‌کند.» (همان: ۱۴۱)

دیگر کلمات اتباع به کار رفته در این داستان عبارتند از:

سوت و کور (۱۴۲)، شل و ول (۱۵۳)، توپ و تشر (۱۷۵)، تیز و فرز (۱۹۲)، له و لورده (۱۹۷)،

هرج و مرج (۲۰۲)، دارو دسته (۲۲۷)، مات و مبهوت (۲۳۰)، آش و لاش (۲۴۶)، کج و معوج

(۲۵۱)، خرت و پرت (۲۵۱)، اخم و تخم (۲۶۲)، پخش و پلا (۲۶۴)، گل و شل (۲۶۷)، لت و پار

(۲۹۵)، هاج و واج (۲۹۷) و

ب) کاربرد واژه‌ها، اصطلاحات و افعال عامیانه کوچه بازاری:

- ول کردن: «آخر جلو خودش را ول می‌کند و با بغض می‌پرسد.» (همان: ۱۱)

- ولو شدن: «آنها خسته و خواب آلود کف وانت ولو شده‌اند ...» (همان: ۱۳)

- لومبوندن: «وقت دارید تمام روز بلومبونید و لم بدین» (همان: ۱۵)

- لنگ موندن: «برای غذای شب شون لنگ می‌مونن...» (همان: ۲۶)

- باهاس (باید): «یارو می‌گفت باهاس خوزستان بشه ولایت ...» (همان: ۱۳۲)

- راسیاتش (در حقیقت، به راستی): «..... راسیاتش از دور چیزهایی درباره‌اش شنیدم.»

(همان: ۳۴)

- بوق سگ: «از صبح تا بوق سگ بشینی حصیر بیافی...» (همان: ۴۰)

دیگر کلمات، افعال و اصطلاحات عامیانه کوچه بازاری به کار رفته در این داستان عبارتند از:

سرشاخ شدن (۵۶)، چاخان کردن (۷۲)، از تک و تا افتادن (۸۳)، کی به کیه؟ (۱۰۱)، بلبشو (۱۱۰)، شورش را در آوردن (۱۱۳)، لولیدن (۱۱۷)، زپرتی (۱۳۲)، توپ پر (۱۳۲)، گوش تا گوش (۱۳۶)، ریشه رفتن (۱۵۴)، خیر سرت (۱۷۰)، شهر هرت (۱۷۰)، هکی (۱۷۹)، چمباتمه زدن (۲۵۹)، هر و کر کنان (۲۷۲)، هول هولکی (۲۷۵)، کز کردن (۳۰۲)

پ) تقدیم فعل بر دیگر اجزای جمله و جابجایی عناصر جمله:

- «دختر می زند زیر گریه» (همان: ۱۱)

- «پس می زند سینی را و ...» (همان: ۳۸)

- «و چه حق شناس و سنگدل بودند خلیفه‌هایشان» (همان: ۴۱)

- «فرستاد دنبال کارهای دیگه» (همان: ۴۳)

- «طبق قرارشان می رسند به شاه آباد» (همان: ۷۰)

- «ضرب المثل فؤاد می شود اسباب خنده و متلک عراقی‌ها» (همان: ۱۵۴)

- «پسر را می راند به جلو ...» (همان: ۱۸۳)

- «و می روند یکی است به سوی فرمانداری...» (همان: ۲۲۰)

- «او مدم برای خدمت به عربا ...» (همان: ۲۲۶)

ت) کاربرد اصوات و صداها:

- شلپ شلپ: «لحظاتی بعد صدای شلپ شلپ دست و پا زدن کسی در شهر شنیده

می شود.» (همان: ۱۴۲)

- قرچ قرچ: «گرچه قرچ قرچ قناری را می بلعد» (همان: ۱۵۱)

ث) کاربرد اسامی، عناوین، پوشش‌ها و هر آنچه مربوط به مناطق جنوبی باشد

نام این رمان «نخل و نی»، تداعی بخش دو مقوله بارز مردم جنوب، از جمله خرمشهر است. از آنجایی که داستان خرمشهر را در طی سال‌های ۴۸ تا ۶۷ به تصویر می کشد، قاعدتاً در راستای شرح رویدادها و گفتگوها، شاهد آداب، جغرافیا و پوشش، تغذیه، اصطلاحات و نام‌های جنوبی هستیم که به برخی از آنها اشاره می شود:

- اسامی افراد: چنتوشن، جادر خوماوی، عبدالامیر سباتی، فیصل، طالب الشیب، اموجاسبی،

شبیر، عبدالصاحب، مزعل و ...

- اسامی مکان‌ها: نخلستان، شادگان، کپر، خین، قصرالسلام، شلمچه، فلکه دروازه، شط، مجمره، کارون، خوزستان، خرمشهر، اسکله، دکه، بوارین، بندر تجاری، لنگرگاه، اروندرود و...

نام‌ها و ابزارها و پوشش‌ها و تغذیه و جغرافیا:

- چغیه، لنج، دشداشه، طره، شرطه، نخل، نی، کپرنشین، ماهی کباب، لنج، آفتاب گرم جنوب، هوای داغ سنگین، هوای شرجی، گرمای لخت و پر غبار، آفتاب سوزان، غروب نخلستان، ناخدا، جاشو، خلیج فارس، موتور لنج، وجود همیشگی ظرف خرما سر سفره.

امروزه به واسطه جنگی که در جامعه به وقوع پیوسته است و به دلیل پردازش به جنگ و تبعات آن، کاربرد کلمات و اصطلاحاتی در ادبیات داستانی معاصر مرسوم شد که خاص فضاهاى جنگی است. در این رمان از آنجایی که بخش اول انقلاب و فعالیت‌های انقلابی را شامل می‌شود، علاوه بر اصطلاحات جنگی، به کلمات خاص و ارگان‌ها و درجات نظامی زمان انقلاب و قبل از آن بر می‌خوریم که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- قنداق تفنگ (۲۱)، لشگر هشتاد و یک زرهی (۵۶)، تیپ نوزدهم پیاده ارتش (۵۶)، ستون نظامی (۵۷)، توپ‌های دوربرد (۵۷)، آتش توپخانه (۵۷)، نیروهای کماندو (۵۷)، یگان‌های نظامی (۵۷)، ضد هوایی (۵۸)، بمب افکن توپولوف (۵۸)، عملیات (۵۹)، فانتوم و موشک (۵۹)، مهمات (۶۷)، نارنجک (۷۴)، ساواک (۷۴)، گلوله (۷۹)، چوب و چماق (۸۵)، ارتشبد (۸۶) سپهبد (۸۶)، لشگر گارد (۸۶)، همافران (۸۶)، حکومت نظامی (۸۷)، کلاشینکف (۱۸۵)

ویژگی‌های ادبی:

- آنچه در این اثر داستانی، در حیطه تصاویر ادبی بیشتر به چشم می‌خورد وجود کنایات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های عامیانه امروزیست، البته با بسامد پایین‌تر شاهد آرایه‌هایی چون شبیه، استعاره، توصیف ادبی، و همین‌طور یک مورد پارادوکس بسیار زیبا هستیم که در ادامه با ذکر نمونه‌هایی به این آرایه‌ها می‌پردازیم:

الف) کنایات و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها

ضرب‌المثل‌ها:

- «اگر حنتوش ساربونه، می‌دونه شترهاشو کجا بخوابونه...» (همان: ۱۳)

- «نونت نبود، آبت نبود، کویت آمدنت چه بود» (همان: ۱۶)
 - «فکر نون باش، خربزه آبه.» (همان: ۱۸)
 - «سایه منو با تیر میزنه» (همان: ۳۷)
 - «از خر شیطان پیاده شو نابف» (همان: ۳۸)
 - «یک مو از سرت کم بشه» (همان: ۳۹)
 - «شاخه کج رو باید برید» (همان: ۱۱۳)
 - «پنج انگشت یکی نیست» (همان: ۱۵۷)
 - «از خر شیطون بیا پایین» (همان: ۱۶)
 - «یا زنگی زنگی یا رومی روم» (همان: ۱۷۴)
 - «جوجه را آخر پاییز می شمرن» (همان: ۲۸۹)
- ب) کنایات و اصطلاحاتی چون:

از کوره در رفتن (۱۵)، لنگ موندن (۲۶)، حرف را سبک سنگین کردن (۴۶)، با دم شیر بازی کردن (۵۰)، توپ و تو زمین حریف انداختن (۵۰)، خط و نشان کشیدن (۵۲)، با هم سر شاخ شدن (۵۶)، قالب تهی کردن (۶۳)، از تک و تا افتادن (۸۳)، دم را رو کول گذاشتن و رفتن (۹۸)، نون به نرخ روز خوردن (۱۲۳)، دندون تیز کردن (۱۵۸)، دیمی بار آمدن (۱۷۱)، هیزم تر به کسی فروختن (۱۸۶) و

استعاره:

- جان بخشی به آسمان: «تکه های ابر در آسمان این سو و آنسو می روند» (همان: ۱۰)
- جان بخشی به باران: «باران سر ایستادن ندارد» (همان: ۷۹)
- نسبت دادن سنگینی و وقار به رود: «رود سنگین و با وقار از میان تاریکی می گذرد» (همان: ۲۷۳)

- «خورشید هلالی بزرگ در افق ساخته است و هاله ای به دور آن می لرزد» (همان: ۲۷۵)

تشبیه:

تشبیه در دوران معاصر با همان اسلوب گذشته، ولی با نوآوری معنایی در آثار ادبی نثر داستانی مورد استفاده نویسندگان قرار گرفته است. در رمان «نخل و نی» گاهی با همانندی های جالبی

روبرو هستیم:

- تشبیه چای به عشق: «چای و عشق وقتی داغ هستند می چسبند» (همان: ۱۵)
- همانندی آسمان به سفره آبی: «آسمان یک سفره آبی است با ابرهای سفید» (همان: ۱۴۱)
- تشبیه گروه مگس‌ها به ابری سه گوش: «یک فوج مگس به صورت ابری سه گوش به بیرون هجوم می‌آورد.» (همان: ۱۵۹)

و همچنین دیگر تشبیهات که به ذکر نامشان بسنده می‌شود:

- تشت خونین خورشید (۱۷۷)، تشبیه پیکان سفید به ازابه مرگ (۲۲۸)، تشبیه ماه به توپ شیشه ای (۲۹۶)، کوره خورشید (۳۱۱)، تشبیه روده‌ها به طناب صورتی رنگ (۳۱۴) و ...

توصیف و تصویرسازی:

«توصیفات در دوران معاصر عینی، کوتاه، مشخص و روشن است. دیگر نویسندگان برای توصیف از جملات طولانی استفاده نمی‌کنند. آنها در پس همین جملات کوتاه و مشخص به توصیف افراد شخصیت‌ها، طبیعت، موقعیت‌های زمانی و مکانی و غیره می‌پردازند.» (مهرورز؛ ۱۳۸۰: ۵۶)

توصیف ویژگی‌های ظاهری شخصیت‌ها:

«هر چهار نفر با قیافه لاغر و استخوانی، پاهای ورم کرده، چشمان گود افتاده و لبان پلاسیده و خشک، سر و صورتشان را می‌تکانند...» (رئیس؛ ۱۳۸۷: ۱۷)

«فرستاده حزب بعث... با چشمان درشت، موی رنگ کرده، صورتی که کمی ورم دارد، جدی و شمرده برای حاضرین صحبت می‌کند...» (همان: ۲۸)

«این بار هاشم موسوی عرض اندام می‌کند. او فربه است. ثورت پهنی دارد و ظاهری چرکین. در حالی که مهره‌های قهوه‌ای تسییح را از لای انگشتان کلفتش عبور می‌دهد طعنه آمیز می‌گوید...» (همان: ۲۲۶)

توصیف مکان‌ها و طبیعت:

«خورشید به آرامی از انتهای نخلستان‌های شمال کارون بالا می‌آید... خرمشهر خاکستری و سفید است و شط، شیری رنگ به نظر می‌رسد. کوچه‌ها و خیابان‌های خرمشهر روشن و سفید می‌شود. گاو میش‌ها با سم‌های استخوانی و زرد و بدن‌هایی که از کاه و تاپاله‌های فشرده

لکه لکه شده، در حاشیه شط رها شده‌اند...» (همان: ۲۳۰)

- چراغ‌های سوسو زن در کوچه‌های بن بست و ته خیابان‌های پهن و دراز خرمشهر، عوعوسگان در عمق نخلستان‌ها و آسمان پر ستاره، سگان از سکوت و آرامش شهر دارد... « (همان: ۲۸۸)

- این هم توصیفی از شب نخلستان: «آسمان شب پهن و گسترده و پر از ستاره است. گه گاه تکه‌ای ابر از مقابل ماه می‌گذرد و نور آن به تیرگی می‌زند، اما ماه دوباره بیرون می‌آید و نور آن بر شاخ و برگ درختان نخل می‌تابد....» (همان: ۳۱۶).

ویژگی‌های فکری:

الف) «نخل و نی»، رمان یا مستند نویسی و تاریخ نگاری؟

داستان دفاع مقدس به عنوان شاخه‌ای از ادبیات پایداری، تکیه بر خاطرات و تجربیات نویسندگان دارد. به همین سبب خواننده می‌تواند به‌واسطه آن و با لمس واقعیات جنگ، خود را در موقعیت و شرایطی قرار دهد که شخصیت‌های داستان قرار دارند. همین ویژگی، یعنی مستند بودن بخش اعظم شخصیت‌ها، حوادث و سایر عناصر داستان موجب گردیده تا واقع‌گرایی، شایع‌ترین «مکتب ادبی» در ادبیات دفاع مقدس باشد.

«پدید آورندگان این نوع روایت‌های جنگی، غالباً یا جنگ را به خود تجربه کرده‌اند، یا با آگاهی، ادراک و احساس ادبی، آن را حس کرده‌اند». (بی‌نیاز؛ ۱۳۹۲: ۹۴)

در سرزمین ما آثاری که در ارتباط با دفاع مقدس در اختیار داریم، تراوش قلم نویسندگانی است که به قافله روشنفکران منسوب نمی‌شوند، بلکه جوانانی هستند که جنگ را از نزدیک لمس کرده، با آن آشنا بودند.

این داستان نیز در واقع روایت خرمشهر را از سال‌های پیش از شروع جنگ تا پس از جنگ شامل می‌شود؛ که در این روایت منابع جدیدی را عرضه می‌کند.

بلندی و حجم نوشته، توصیفات گاه سناریوگونه، حضور سایه‌ای از شبه قهرمان (آموجاسبی)، آرامش نویسنده در بیان برخی علائق شخصی و چند شاخصه دیگر، این نوشتار را در ردیف خاطراتی شبیه رمان‌های تاریخی قرار می‌دهند؛ مجموعه‌ای که در آینده‌ای نه چندان دور یکی از منابع تاریخی و اجتماعی خرمشهر محسوب خواهد شد. هر چند این اثر، رگه‌هایی

از رمان های اجتماعی را نیز دارا می‌باشد، ولی ذکر دقیق حوادث، بیان حالات و درونیات بخش اعظم جامعه درگیر با فضای حاکم بر این مجموعه، عدم قهرمان پروری، جلوگیری از ورود حوادث حاشیه‌ای به متن، همه و همه نشان می‌دهد افکار و محفوظات نویسنده بر همه جای کار سایه افکنده است.

ب) حضور شخصیت های داستان با نام های واقعی :

حضور قهرمانان و بزرگان خطه دلاور خیز خوزستان به صورت ساده و صمیمی و بدون القاب و عناوین، نشان از ذهن ساده و صمیمی نویسنده آن دارد و واقع گرایی و مستند سازی را تقویت می‌کند.

برخی از دیگر نویسندگان هرگاه به نام‌های بزرگانی چون «محمد جهان آرا» رسیده‌اند، آن قدر آن را با بزرگ نمایی و شاخ و برگ همراه نموده‌اند که فضای داستان را از واقع گرایی خارج کرده‌اند.

در این داستان خواننده با انبوهی از شخصیت‌های واقعی تاریخ جنگ خرمشهر روبرو می‌شود که برخی از آنان عبارتند از:

یعقوب ناصر (رهبر کارگران خوزستانی مقیم کویت)، طابق ابوالخیل (عرب با نفوذ خوزستانی)، صدام حسین، مکی فیصلی (از شیوخ عرب)، خاوری (رئیس سازمان اطلاعات)، عبدالحسین فردوست (دوست شاه سابق)، طالب الشیب (نماینده عراق در شورای امنیت)، محمدرضا شاه مخلوع، حسن مجتهد زاده (از جوانان شجاع خرمشهر)، سرگرد اشراقی (فرمانده نظامیان مستقر در شهر)، مهندس مهدی بازرگان (نخست وزیر وقت) محمد جهان آرا و ...

پ) انسان گرایی:

یکی از اهداف اصلی نویسنده در پردازش این داستان «باز نمودن مسائل انسانی در جنگ» است. رئیسی از منظری انسانی به جنگ و انقلاب نگریسته است.

نویسنده در جایی می‌گوید:

«اهمیت دفاع مقدس را در از دست دادن یا گرفتن خاک نمی‌دانم، آن چه برای من اهمیت دارد و سعی می‌کنم در آثارم آن را بازتاب دهم، روابط میان انسان‌هاست و از همین زاویه است که به جنگ و آدم‌هایی که در آن بوده‌اند، نگاه می‌کنم.» (حنیف، ۱۳۸۸: ۱۰۶)

ت) زن در این داستان:

در ادبیات دفاع مقدس که شرح احوال برون و درون انسان‌هایی است که برای حفظ شرف و حیثیت و فضایل انسانی در مقابل تجاوزگران به کرامت‌های انسانی به پا خواسته اند، زن نقش برجسته‌ای دارد. که در این داستان ایمان، ظلم‌ستیزی، ایثارگری و صبوری زن در این نوع از ادبیات داستانی به نمایش گذاشته می‌شود.

هویت جنسی زنانه را می‌توان در آثار این دوران بسیار پر رنگ دید. گویی پس از سال-ها، کسی زن این دوره را از خواب بیدار کرده و آنها را به خود آگاهی، دیگر آگاهی و مرگ آگاهی مواجه کرده است.

این داستان مستند تاریخی نیز با آنکه فاقد قهرمان پروریست و با وجود آنکه فضا کاملاً مردانه است، با این حال به طور تام و تمام از این نیمه جامعه غافل نشده و با خلق شخصیت زنی به نام «بشه» جایگاه ارزشمند و تأثیرگذار زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی را به خوانندگان یاد آور می‌شود.

در این داستان، بشه طبق استناد به صفحه ۲۰۷ این اثر، از صبورترین زن‌های عرب است و از وقتی پا به میدان نهاده، بی‌دریغ از خود مایه گذاشته است. او یک قهرمان است و مبارزه را از سنین پایین شروع کرده است. در برخورد با خبرنگاران، فقط دم از مبارزه میزند و از دولتمردان حقوق عرب‌ها را می‌طلبد. سرانجام مقاومت و پیکار این زن چنین آمده است:

«بشه دختر چریکی دستگیر شد» روزنامه‌های داخلی این عبارت را با داستان‌های ساختگی چاپ می‌کنند. بشه بریده است. او را در دبیرستان بازرگانی خرمشهر، داخل اتاقی حبس کرده‌اند...» (رئیزی؛ ۱۳۸۷: ۲۵۴)

ث) طنز تلخ:

گروتسک مجموعه‌ای از احساسات متضاد که می‌توانند همزمان نمود پیدا کنند. فیلیپ تامسون مؤلف کتاب گروتسک در ادبیات برای چنین احساس ناهمگونی، اصطلاح گروتسک را پیشنهاد داده است. «گروتسک در برگیرنده قابلیت‌های دوگانه یا چند گانه و متضاد است. مثل قابلیت خنده در کنار آنچه با خنده دمساز نیست ... این حس ظاهر دارای

درونمایه مشهود و مشخصی ست. مثل صورت خندانی که غم جانگدازی در خود پنهان دارد. همین دو گانگی مایه پویایی و حیات گروتسک است (تامسون، ۱۳۹۰: ۴۹). هر چند در این داستان میزان تلخی‌ها و ناکامی‌ها بیش‌تر خودنمایی می‌کند، ولی حضور وقایع و احساسات هر چند کمرنگ ولی تأثیرگذاری از هیجان‌ات روحی، امیدواری‌ها و ناامیدی‌ها، سکون و بی‌قراری، گریه‌های سوزناک و لبخندهای تلخ همه و همه داستان را به سمت نوعی گروتسک سوق می‌دهد.

نتیجه:

با مطالعات سبک‌شناسی داستان «نخل و نی» در لایه‌های سه گانه سبکی زبانی، ادبی و فکری نتایج زیر به دست آمده است:

- در این اثر داستانی نویسنده در گفتگوی شخصیت‌ها زبانی کاملاً واقع‌گرایانه رقم خورده است.
- توصیفات همراه با جملات کوتاه، شفاف و عینی و ملموس درباره شخصیت‌ها، عناصر طبیعت و موقعیت‌های پیش آمده شکل گرفته است.
- سبک غالب بر این داستان، رئالیسم است و در حجم بالایی از اثر، بیشتر شاهد تاریخ مستند خرمشهر به صورت گزارش‌های روزانه و لحظه‌ای هستیم و تم داستانی کمتر به چشم می‌خورد.
- رضا رئیسی نیز همچون احمد دهقان مرزهای کلیشه و احساسات در نگارش آثار جنگی کنار گذاشته و با ایجاد گونه منحصر به فرد، سبکی را در پیش گرفته که در آن داستان بر مبنای دیده‌ها، شنیده‌ها، تجربیات و مستندات نویسنده نگارش می‌یابد. خلق اثری پر از جزئیات که به شکل ۳ بعدی همچون فیلمی مستند و تاریخی پیش روی خواننده به نمایش در می‌آید.

منابع

۱. بهار، محمدتقی (۱۳۶۹) سبک شناسی، تهران: انتشارات زوار
۲. بی‌نیاز، فتح‌الله (۱۳۹۲) درآمدی بر داستان نویسی و روایت شناسی، تهران: نشر افراز.
۳. حنیف، محمد (۱۳۸۸) کندو کاوی پیرامون ادبیات داستانی و جنگ، تهران: پژوهشکده علوم و معارف دفاع مقدس.
۴. رحماندوست، مجتبی (۱۳۸۸) سه پدیده در آینه رمان، تهران: نشر سوره مهر
۵. رئیس، رضا (۱۳۸۷) نخل و نی، تهران: نشر حریر
۶. سنگری، محمدرضا (۱۳۸۹) ادبیات دفاع مقدس، تهران: انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۷. شمیسا، سیروس (۱۳۷۸) کلیات سبک شناسی، تهران: نشر فردوسی
۸. فتوحی، محمود (۱۳۸۶) سبک شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، تهران: نشر سخن.
۹. گروتسک، ترجمه فرزانه طاهری، ۱۳۹۰، تهران: نشر مرکز.
۱۰. مهرورز، ذکریا (۱۳۸۰) سبک شناسی نثر داستانی معاصر، آموزش زبان و ادب فارسی، ش ۶۰، صص ۵۹-۵۴.
۱۱. مهریان، جواد (۱۳۸۹) نظری انتقادی بر سبک شناسی در ایران، فصل نامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد، ش ۲۷، صص ۱۲۲-۱۱۱.